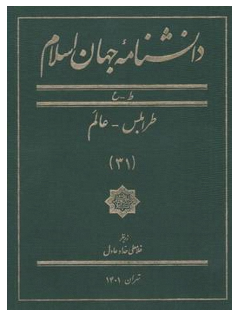


رجال نجاشی

پدیدآورنده (ها) : شبیری، سید محمدجواد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۹ (ذوالکفل - رشید)

صفحات : از ۵۶۱ تا ۵۷۳

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1699557

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۴



و سوم و به همین ترتیب دربارهٔ سایر حروف، نظیر *منهج‌المقال* تألیف میرزامحمد استرآبادی (متوفی ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸)، مرتب ساخته‌است (نیز ← خوانساری، ج ۶، ص ۱۳۱؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۶۶). همچنین سیدمحمدعلی شاه‌عبدالعظیمی (متوفی ۱۳۳۴) جلد دوم از مجموعهٔ چهار جلدی خود تحت نام *منتخب‌الرجال* (بمبئی، [بی‌تا.]) را به گزیده‌ای از *إختیارالرجال* اختصاص داده‌است. علاوه براینها، میرداماد (متوفی ۱۰۴۰) تعلیقه‌ای بر کتاب *إختیارالرجال* نوشت که از آن به شرح نیز یاد می‌شود، اما موفق به اتمام آن نشد، به‌گونه‌ای که دو جزء پایانی *إختیار* فاقد تعلیقه است. این تعلیقه‌ها به همراه *إختیار معرفةالرجال* (قم ۱۴۰۴) چاپ شده‌است.

عنایت‌اللّه قهپائی (ج ۶، ص ۱۱) به وجود منتخبانی (المنتخِبین) از *رجال* کشّی اشاره کرده‌است (نیز ← ابوالهدی کلباسی، ج ۱، ص ۸۱). باتوجه به آنکه در انتساب *إختیارالرجال* به شیخ طوسی هیچ تردیدی وجود ندارد، و تألیف گروهی نیز در آن اعصار متداول نبوده، این گمان که کسان دیگری نیز به‌طور مستقل دست به گزینش کتاب کشّی زده باشند، بنابر عبارت قهپائی تقویت می‌شود.

منابع: **آقابزرگ طهرانی**؛ **ابن‌حجر عسقلانی**، *لسان المیزان*، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹ـ۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۹۷۱/۱۳۹۰؛ **ابن‌شهرآشوب**، *معالم العلماء*، نجف ۱۹۶۱/۱۳۸۰؛ همو، *مناقب آل ابی‌طالب*، نجف ۱۹۵۶؛ **ابن‌طاووس**، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ محمدمهدی‌بن مرتضی **بحرالعلوم**، *رجال السید بحرالعلوم، المعروف بالفوائد الرجالیة*، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ یوسف‌بن احمد **بحرانی**، *لؤلؤة البحرین فی الاجازات و تراجم رجال‌الحدیث*، چاپ محمد صادق بحرالعلوم، منامه ۱۴۲۹/ ۲۰۰۸؛ علی **خامنه‌ای**، «چهار کتاب اصلی علم رجال»، در *یادنامهٔ علامه امینی: مجموعهٔ مقالات تحقیقی*، به اهتمام جعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران: مؤسسهٔ انجام کتاب، ۱۳۶۱ ش؛ **خوانساری**؛ مصطفی **درایتی**، *فهرستوارهٔ دستنوشت‌های ایران (دنا)*، تهران ۱۳۸۹ ش؛ عبداللّه‌بن صالح **سماهیجی**، *الاجازة الکبیرة الی الشیخ ناصرالجارودی القطیفی*، چاپ مهدی عوازم قطیفی، [قم] ۱۴۱۹؛ **شوشتری**؛ زین‌الدین‌بن علی **شهیدثانی**، *رسائل الشهیدالثانی*، قم ۱۳۷۹ـ۱۳۸۰ ش؛ حسن‌بن زین‌الدین **صاحب معالم**، *التحریر الطاووسی*، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱؛ محمدبن حسن **طوسی**، *رجال‌الطوسی*، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ حسن‌بن یوسف **علامه حلّی**، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد **قزوینی**، *نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده:* ۱۹۱۲ـ۱۹۳۹، چاپ ایرج افشار، [تهران] ۱۳۵۶ ش؛ عباس **قمی**، *الکنی و الالقاب*، تهران: مکتبة‌الصدر، [بی‌تا.]؛ عنایت‌اللّه **قهپائی**، *مجمع الرجال*، چاپ ضیاءالدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴ـ۱۳۸۷، چاپ افست قم [بی‌تا.]؛ محمدبن عمر **کشّی**، *اختیار معرفةالرجال*، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ ابوالهدی **کلباسی**، *سماء المقال فی علم الرجال*، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹؛ محمدبن محمد ابراهیم **کلباسی**، *الرسائل الرجالیة*، چاپ محمد حسین درایتی، قم ۱۳۸۰ـ۱۳۸۱ش؛ محمدباقربن محمدتقی **مجلسی**؛ محمدتقی‌بن مقصودعلی **مجلسی**، *روضة المتقین فی شرح مَن لا یَحضُرُه الفقیه*، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، قم ۱۴۰۶ـ۱۴۱۳؛ **نجاشی**؛ حسین‌بن محمدتقی **نوری**، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم ۱۴۱۵ـ۱۴۲۰.

/ سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای /

رجال نجاشی، مهم‌ترین کتاب رجالی از اصول چهارگانهٔ رجالی شیعی، تألیف ابوالعباس احمدبن علی نجاشی*. نام اصلی این کتاب، به تصریح مؤلف (ص ۲۱۱)، *فهرست اسماء مصنِّفی‌الشیعة* (فهرست پدیدآورندگان شیعه) است. او در توضیح عنوان کتاب افزوده‌است که ذیل نام هر یک از پدیدآورندگان، آثار آنان را که به آنها دست یافته (و ما اَدْرَکْنا من مصنَّفاتهم) معرفی کرده، و مطالبی دربارهٔ کنیه، لقب، منزلت اجتماعی، نسب، محل سکونت و گفته‌هایی راجع به مدح و ذم آنها آورده‌است (نیز ← موحد ابطحی، ج ۱، ص ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۱).

سیدبن طاووس (متوفی ۶۶۴)، در نقل مطلب از این کتاب، افزون‌بر نام اصلی آن (← ۱۴۰۹، ص ۱۸۲)، از نامهای مختصرتر *فهرست مصنفی‌الشیعة* (۱۳۶۳ش، ص ۱۲۱)، *فهرست کتب الشیعة* (همان، ص ۱۳۰)، *فهرست‌المصنفین* (۱۴۰۹، ص ۱۹۰؛ ۱۳۶۳ش، ص ۱۲۲)، *اسماءالمصنفین* (۱۳۶۳ش، ص ۹۷)، و *الفهرست* (۱۴۰۹، ص ۲۴۳؛ ۱۴۱۳، ص ۹۹، ۲۱۰؛ ۱۴۱۶، ص ۲۴۲) نیز استفاده کرده‌است (نیز ← کولبرگ[1]، ص ۳۱۶). نخست، در آثار محقق حلّی (۱۳۷۱ش، ص ۲۹۶؛ ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۹۲؛ ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۸، ۴۰۳)، و سپس در شرح‌حال نجاشی در *رجال* ابن‌داوود حلّی (ستون ۳۲) و *خلاصةالاقوال* علامه حلّی (ص ۷۲) از این کتاب با نام *کتاب‌الرجال* و در اجازهٔ علامه حلّی به بنوزهره، از آن با نام *اسماءالرجال* یاد شده (← محمدباقر مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۹۵)، و پس از آن به‌تدریج عنوان *رجال* جای نام اصلی کتاب را گرفته‌است. هرچند، این نام‌گذاریها به این موارد محدود نماند و کتاب به نامهای دیگری

1. Kohlberg

نیز خوانده شد؛ از جمله، در پاره‌ای از مصادر، فهرست خوانده شده‌است (برای نمونه ← شهید اول، ج ۱، ص ۵۹؛ حلّی، ص ۴۸۱؛ استرآبادی، ص ۱۲۵، ۱۳۱؛ محمدتقی مجلسی، ج ۱۱، ص۵، ج ۱۴، ص ۳۵۷؛ محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۳۶، ج ۵۰، ص ۳۳۰)؛ و محقق حلّی در *المعتبر* (ج ۱، ص ۲۹۲) از آن با نام *کتاب‌المصنِّفین*، و فاضل آبی در *کشف‌الرموز* (ج ۱، ص ۹) با تعبیر *مصنفی‌الشیعة الامامیة* از آن یاد کرده‌اند. ابن‌حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) نیز در *لسان‌المیزان* آن را غالباً، *رجال‌الشیعة* (مثلاً ج ۱، ص ۲۵، ۹۳، ۱۱۰)، گاهی *مصنفی‌الشیعة* (مثلاً ج ۱، ص ۳۳۴، ج ۲، ص ۲۴، ۶۹) و به‌ندرت، *شیوخ‌الشیعة* (مثلاً ج ۱، ص ۱۲۷، ۲۶۶ـ۲۶۷، ج ۲، ص ۲۲۳، ۲۲۸) و در یک مورد با نام *مصنفی‌الامامیة* (← ج ۲، ص ۲۱۶) خوانده‌است (← ادامهٔ مقاله).

برخی به این دلیل که کتاب رجالی براساس طبقات نوشته می‌شود و در آن فقط به ذکر اصول و مصنفات بسنده نمی‌شود، عنوان رجال را برای این کتاب نادرست دانسته‌اند (← شوشتری، ج ۱، ص ۲۴؛ نیز ← طوسی، ۱۴۰۳، مقدمهٔ محمد واعظزاده خراسانی، ص ۳۳). با این حال، دلیلی بر اثبات این نظر وجود ندارد و در کتاب نجاشی، اگرچه اساساً فهرست آثار نویسندگان شیعه است، جرح و تعدیل و دیگر مباحث علم رجال، از قبیل تعیین طبقهٔ فرد و راوی و مرویٌ‌عنه، و همچنین تعیین دورهٔ زندگی هر فرد، که برای داوری در باب مرسل یا مسندبودن حدیث و نیز وقوع افتادگی در سند ضرورت دارد و از اهداف علمای رجال است، در نظر گرفته شده‌است (← ادامهٔ مقاله). بنابراین، کتاب نجاشی هم فهرست است و هم کتاب رجال (شبیری زنجانی، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نیز ← نجاشی، ص۲۱۱) و کتاب رجال بودن این اثر، منافاتی با فهرست بودن آن ندارد و رابطهٔ این دو مفهوم، تباین یا تقابل نیست.

موضوع کتاب. در نام این کتاب، دو تعبیر «مصنِّف» (که مصنفان پدید آورده‌اند) و «شیعه» دیده می‌شود. لفظ مصنَّف گاهی در مقابل «اصل»، به منابع دست دومی اطلاق شده‌است که با تکیه بر منابع مکتوب پیشین (اصول) نگارش یافته‌اند (مثلاً ← ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴؛ مفید، ص ۲۵؛ نجاشی، ص ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۹؛ موسوی خرسان، ص ۵)؛ از این‌روست که احمدبن حسین غضائری دو کتاب، یکی دربارهٔ مصنَّفات و دیگری دربارهٔ اصول، نگاشته‌است (← طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲). اما مراد از مصنَّف در *رجال* نجاشی، ازجمله در مقدمهٔ آن، معنای گسترده‌ای است که همهٔ انواع تألیف را دربر می‌گیرد (← ادامهٔ مقاله).

در *رجال* نجاشی افزون بر نویسندگان کتب، گردآورندگان و سامان‌دهندگان یک اثر نیز ذکر شده‌اند. گاهی فردی از امام سؤالاتی می‌کرد و شخصی دیگر آنها را در مجموعه‌ای گردآوری می‌کرد. در *رجال* نجاشی، این مجموعه‌ها هم به سائل و هم به گردآورندهٔ آن نسبت داده شده‌است؛ مثلاً مسائل صباح‌بن نصر هندی (نهدی) از امام‌رضا علیه‌السلام هم ذیل نام صباح (← ص ۲۰۲) و هم ذیل نام ریّان‌بن شبیب (ص ۱۶۵)، جمع‌آوری‌کنندهٔ آن، درج شده‌است (برای نمونه‌های دیگر ← ص ۲۹۵، ش ۷۹۹، قس ص ۳۹۵ و ص ۴۳۳، قس ص ۲۵۰).

تدوین مطالب مطرح شده در مناظره‌ها نیز نوعی تألیف به‌شمار رفته‌است؛ ازاین‌رو، دربارهٔ برخی اشخاص آمده «لَهُ مجالسُ و کتبٌ» (← ص ۲۵۱)، و این مجالس هم به مناظره‌کننده نسبت داده شده‌است و هم به جمع‌آوری‌کنندهٔ مباحث آن (← همانجا، قس ص ۴۳۳، ش۱۱۶۴، نیز ← ص ۳۷، ش ۷۵، ص ۵۷، ش ۱۳۱، که مناظرات امام‌رضا علیه‌السلام را دربر دارد). کسانی که دیوان شاعری را گردآوری کرده‌اند، که آن را عمل یا صنعت شعر می‌خواندند، نیز در شمار مؤلفان کتب ذکر شده‌اند (← ص ۳۷، ۹۳، ۲۶۵، ۴۴۹)؛ تحریر، که به عمل نیز تعبیر شده، تألیف به شمار آمده و تحریرکننده نیز در زمرهٔ مؤلفان ذکر شده، و کتابها هم به مؤلف اصلی و هم به تحریرکننده نسبت داده شده‌است (← ص ۱۹۲، ش ۵۱۴، قس ص ۳۳۰، ش ۸۹۲).

ساماندهی و نظم‌بخشی به یک کتاب نیز نوعی تألیف تلقی شده‌است؛ ازهمین‌رو، احمدبن حسین‌بن عبدالملک که صرفاً کتاب مشیخهٔ حسن‌بن محبوب (متوفی ۲۲۴) را گردآوری و بر اساس نام مشایخ باب‌بندی کرده، در *رجال* نجاشی (ص ۸۰) جداگانه معرفی شده‌است (نیز ← ص ۸۲، ۱۵۸).

افزون بر اینها، گاهی راویان کتابها نیز مانند پدیدآورندگان جداگانه معرفی شده‌اند (← ص۵۶، ش ۱۳۰، ص ۳۶۲، ش ۹۷۴). در این میان، گاهی دربارهٔ یک کتاب دو رأی مطرح بوده و ازاین‌رو گاهی به استاد و گاهی به شاگرد و راوی او نسبت داده شده‌است (← ص ۱۲۶، ۲۱۶). به‌علاوه، چه بسا راوی کتاب، خود احادیثی به کتاب اصلی افزوده و بدین‌جهت در شمار مؤلفان ذکر شده‌است (← ص ۲۸۷، ۳۱۶، نیز ← ص ۲۱۹). روایات طولانی همچون عهدنامهٔ مالک اشتر و وصیت‌نامهٔ امیرمؤمنان علیه‌السلام به فرزندش محمد (یا امام‌حسن علیه‌السلام) نیز خود به منزلهٔ کتاب تلقی شده و نام راویان آنها در *رجال* نجاشی (ص ۸، ۲۰۳) به استقلال درج شده‌است. راوی *صحیفهٔ سجادیه* نیز در *رجال* نجاشی (ص ۴۲۶، ش ۱۱۴۴) در زمرهٔ پدیدآورندگان آثار معرفی شده‌است.

در بیش از سی شرح‌حال در *رجال* نجاشی، به صاحبان شرح‌حالها به صراحت کتابی نسبت داده نشده‌است. در این

موارد، گاهی طریق نجاشی به این افراد ذکر شده (در چهارده مورد، مثلاً ص ۳۶۸)، اما گاهی طریقی هم ذکر نشده‌است. در بیشتر این موارد، به روایت مستقیم این اشخاص از معصوم علیه‌السلام (برای نمونه ← ص ۲۷، ۱۵۰، نیز ← ص ۱۵۶) یا روایت غیرمستقیم آنان (ص ۲۸، ۱۸۳) اشاره شده‌است. به‌نظر می‌رسد، چون نقل روایت غالباً براساس دست‌نوشته‌ای صورت می‌گرفته‌است، روایت‌کردن از معصوم نشانهٔ وجود چنین نوشته‌ای بوده‌است، و ازآن‌رو از این اشخاص در *رجال* نجاشی نام برده شده‌است. شاهد این سخن آن است که در برخی از این شرح‌حالها، دربارهٔ راوی گفته شده او «احادیث» دارد و این احادیث، کتاب به‌شمار آمده‌است (← ص ۳۶۲، نیز ← ص ۱۵۱، ۲۸۲)؛ البته گاهی به مدون نبودن این احادیث تصریح شده‌است (← ص ۱۱۷). در ضمن، ذیل نام یکی از اشخاص تصریح شده که کسی از اصحاب به او تصنیفی نسبت نداده (← ص ۴۶) و گویا مراد این بوده که وی احادیث خود را مدوّن نکرده‌است.

دربارهٔ *رجال* نجاشی این احتمال هم هست که برخی از شرح‌حالهای مندرج در آن کامل نشده بوده یا در نسخه‌های موجود افتادگی رخ داده‌است؛ چنان‌که در پاره‌ای شماره‌ها نام شخص بی‌هیچ توضیحی درج شده‌است (← ص ۸۹، ش ۲۲۲، ص ۱۵۰، ش ۳۹۰، ص ۳۶۴، ش ۹۸۰، ۹۸۲، ص ۴۶۰، ش ۱۲۵۹، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۱)، و در برخی از شرح‌حالها نیز ارجاع ضمیر نشان از افتادن نام کتاب دارد (مثلاً ص ۱۲۴، ۱۵۹، ۱۶۵). در مواردی هم این احتمال هست که چون نام این راویان در منابع نجاشی همچون کتاب ابن‌بُطّه قمی* (سدهٔ چهارم) و *فهرست* حُمَیْدبن زیاد* (متوفی ۳۱۰) ذکر شده، نجاشی تمایل داشته‌است همهٔ اطلاعات این کتابها را در اثر خود منعکس کند (← ص ۲۸، ش ۵۵، ص ۷۳، ش ۱۷۴، ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۱ـ۱۲۴۶، و به‌ویژه ص ۱۲۵، ش ۳۲۴).

دربارهٔ واژهٔ شیعه در عنوان *رجال* نجاشی باید گفت این نام نه به معنای رایج و کنونی این واژه، یعنی شیعهٔ امامی اثناعشری است، و نه به معنای گستردهٔ آن در مقابل واژهٔ «عامه» به‌کار رفته، بلکه مراد از آن، معنایی مرادف با «اصحابنا» است که بیش از سیصد بار در کتاب ذکر شده‌است و موارد کاربرد آن نشان می‌دهد که رجال زیدیه از دایرهٔ شمول آن خارج‌اند؛ لذا «اصحابنا» و زیدیه گاه در مقابل هم ذکر شده‌اند (← ص ۹۵، ش ۲۳۳)، و برای گرویدن یک راوی زیدی به مذهب شیعهٔ امامی تعبیری نظیر «انتقل الینا» به‌کار رفته‌است (← ص ۱۷، ۳۷۵) و حتی سخن گفتن دربارهٔ یک راوی زیدی در این کتاب نیازمند توجیه بوده و مثلاً نجاشی (ص ۹۴) در شرح‌حال ابن‌عقدهٔ زیدی جارودی (متوفی ۳۳۲ یا ۳۳۳) توضیح داده که ارتباط عمیق او با «اصحاب ما» و مقام بلند و وثاقت و امانت‌داریش سبب شده‌است ایشان در آثار خود از او سخن بگویند. از سوی دیگر، واژهٔ «اصحابنا» مشتمل است بر فَطَحیه و واقفه و امثال ایشان، که به بیشتر امامان اعتقاد داشتند و در احکام دینی نیز تفاوت چندانی با راویان امامی صحیح‌المذهب نداشتند و تفاوت آنها در سنخ اعتقاد به امامان علیهم‌السلام بوده‌است (به‌ویژه ← ص ۲۵۷). بر این اساس، مؤلف هیچ‌گاه ذکر این گونه افراد را در کتاب خود نیازمند توجیه ندانسته‌است. در این میان، از بیان نجاشی (ص ۲۳۲) دربارهٔ ابوطالب انباری (متوفی ۳۵۶) این گمان به ذهن می‌آید که او واقفه را از «اصحابنا» نمی‌دانسته، اما ظاهراً انباری به‌سبب مطرودبودن در نزد بزرگان امامیه، از شمار اصحابنا بیرون دانسته شده‌است.

با توجه به انگیزهٔ تألیف کتاب (← ادامهٔ مقاله)، نجاشی از راویان غیرشیعی که از امامان روایت کرده (← ص ۲۳، ۵۲، ۷۲؛ نیز ← شوشتری، ج ۱، ص ۲۱، ۲۵)، یا «نسخه»ای را از ایشان نقل (ص ۳۵۵) یا مسند یکی از ایشان را تألیف کرده‌اند (ص ۴۵۱)، و نیز کسانی که دربارهٔ امامان تألیفی داشته‌اند (ص ۲۴۷، ۴۵۱) هم در کتاب خود یاد کرده‌است. راویانی که کتابی با مضمون شیعی نگاشته‌اند نیز در *رجال* نجاشی معرفی شده‌اند؛ مثلاً نجاشی از محمدبن جریر طبری (متوفی ۳۱۰)، مورخ مشهور و پرتصنیف، در کتاب خود (ص ۳۲۲) نام برده، زیرا او کتابی در رد حُرقوصیه نوشته و در آن طرق حدیث غدیر را ذکر کرده‌است. به همین قیاس، او (ص ۸۵) راوی دیگری را نیز به دلیل تألیف کتابی دربارهٔ طرق حدیث ردّالشمس آورده‌است. روایت یک راوی از «اصحابنا» و روایت «اصحابنا» از وی نیز دلیل دیگری برای ذکر او و در زمرهٔ پدیدآورندگان کتب در *رجال* نجاشی است (← ص ۲۴۰).

نجاشی همچنین هر مصنفی را که به نحوی به تشیع منسوب بوده، در کتاب خود ذکر کرده‌است؛ مثلاً شرح‌حال کسی که معتزلی بوده و چندی به تشیع گرویده اما بر این عقیده نمانده‌است (← ص ۴۰۳). او این نکته را به مناسبت ذکر راوی فاسدالمذهب و مضطرب‌الروایه‌ای دیگر که وی را خطّابی خوانده و بر مصنفاتش اعتماد نداشته‌اند، نیز یادآور شده‌است (← ص ۴۱۶؛ نیز ← موحد ابطحی، ج ۱، ص ۷۹ـ۸۰).

تاریخ تألیف. برخی آغاز تألیف این کتاب را در زمان حیات سیدمرتضی علم‌الهدی* (متوفی ۴۳۶) و تکمیل آن را پس از وفات وی دانسته‌اند (← دُریاب نجفی، ص ۴۶؛ نیز ← بحرالعلوم، ج ۲، ص ۶۴، پانویس ۲). زیرا از یک سو، گمان رفته کتاب به توصیه یا تشویق سیدمرتضی نگارش یافته که به تصریح مقدمهٔ کتاب (ص ۳) در هنگام نگارش مقدمه زنده بوده‌است و از سوی دیگر، در شرح‌حال سیدمرتضی (ص ۲۷۰ـ

۲۷۱) تاریخ دقیق وفات وی ذکر شده و بر اینکه نجاشی خود با کمک دیگران عهده‌دار غسل وی بوده، تأکید شده‌است؛ ازاین‌رو، برای هماهنگی بین این دو گزارش، گفته شده که آغاز تألیف آن در زمان حیات سیدمرتضی بوده، اما در هنگام نگارش شرح‌حالش وی از دنیا رفته بوده‌است (ــــ ادامهٔ مقاله). در این‌باره باید گفت دلیلی در دست نیست که مراد از «السیدالشریف» در مقدمهٔ کتاب، سیدمرتضی باشد (ــــ ادامهٔ مقاله). به‌علاوه از ظاهر مقدمه چنین برمی‌آید که پس از تألیف کتاب نگارش یافته، و تنها چند برگ نخست کتاب با عنوان «ذکر الطبقة الاولی» که دربارهٔ نخستین پدیدآورندگان از سَلَف صالح است، پس از نگارش مقدمه افزوده شده‌است. بنابراین اگر فرض کنیم که کتاب به امر سیدمرتضی نگارش یافته‌است، عبارات راجع به وفات او را باید از افزوده‌های مؤلف پس از تألیف دانست.

علامه بحرالعلوم (ج ۲، ص ۴۶ـ۴۷) تألیف *رجال* نجاشی را پس از تألیف *فهرست* و *رجال* شیخ طوسی دانسته‌است، زیرا نجاشی (ص ۴۰۳)، شرح‌حال شیخ طوسی را آورده و از دو کتاب یادشده در کنار دیگر کتب او نام برده‌است؛ افزون‌بر این، مراد از «بعض اصحابنا» در بسیاری از مواضع *رجال* نجاشی، نیز شیخ طوسی است، و حتی در شرح‌حال ابن‌بابویه، از *فهرست* طوسی نام برده شده‌است. گفتنی است که نکتهٔ اخیر الحاقی است و در نسخه‌های اصیل *رجال* نجاشی (چاپ شبیری زنجانی، ص ۳۸۹ـ۳۹۲، قس چاپ نائینی، ج ۲، ص ۳۱۱) نیامده‌است (نیز ــــ شوشتری، ج ۱، ص ۵۲۱؛ مامقانی، ج ۶، ص ۳۵۸).

با دقت در *رجال* نجاشی و مقایسهٔ آن با *فهرست* طوسی روشن می‌گردد که نجاشی در بخش اول *رجال* از *فهرست* طوسی بسیار بهره گرفته‌است و چنان‌که گفته شد در مواردی نیز از طوسی با عبارت بعض اصحابنا یاد کرده‌است (ــــ ادامهٔ مقاله). با این حال، دلیلی بر اینکه نجاشی از *رجال* طوسی مطلبی آورده باشد، وجود ندارد؛ همچنان‌که شاهد روشنی بر اینکه *رجال* نجاشی قبل از *رجال* طوسی نگارش یافته باشد در دست نیست. به هر حال، با توجه به اینکه تاریخ تألیف *فهرست* و *رجال* طوسی دانسته نیست، تاریخ تألیف *رجال* نجاشی را نمی‌توان براساس آن دو کتاب تعیین کرد.

برای تعیین تاریخ تقریبی تألیف *رجال* نجاشی، آخرین تاریخهایی را که در آن ذکر شده‌است می‌توان استقصا کرد. این تاریخها عبارت‌اند از: ۴۱۳، سال وفات شیخ مفید (ص ۲۷۰، ۴۰۲)؛ ۴۱۸ (ص ۶۹)؛ ۴۱۹ (ص ۴۰۳)؛ ۴۳۶ (ص ۲۷۱)؛ و ۴۶۳، سال وفات ابویَعْلیٰ جعفری (ص ۴۰۴) که سیزده‌سال پس از وفات نجاشی (۴۵۰؛ ــــ علامه حلّی، ص ۵۰) بوده و از همین‌رو از بحث‌انگیزترین مباحث دربارهٔ *رجال* نجاشی است و آرای چندی دربارهٔ آن مطرح شده‌است (ــــ شبیری زنجانی، ج ۱، ص ۷۸ـ۱۰۹). بنابر یک نظر، عبارت یادشده از سهو ناسخان سرزده و به دو گونه تصحیح‌پذیر است (ــــ تفرشی، ج ۴، ص ۱۷۴، پانویس ۱). بنابر نظر دیگر، این عبارت از مطالب الحاقی است که شخصی جز مؤلف آن را به نسخهٔ *رجال* افزوده‌است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۵۹؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۷۷). شوشتری (ج ۱، ص ۵۲۰ـ۵۲۱، ج ۹، ص ۱۹۵ـ۱۹۶) آن عبارت را اصیل و از خود مؤلف و کلام علامه حلّی را نادرست دانسته و اظهار کرده که احتمالاً دو تاریخ مذکور در *خلاصةالاقوال* (سال ۳۷۲ و ۴۵۰)، سال ولادت و وفات ابوالعباس احمدبن نوح بوده و علامه حلّی به اشتباه آن را دربارهٔ ابوالعباس نجاشی دانسته‌است. سیدموسی شبیری زنجانی در مقالهٔ «ابوالعباس نجاشی و عصر وی» (ــــ همانجا) این آرا را به‌تفصیل ارزیابی و دلایل الحاقی‌بودن عبارت پیش‌گفته را برشمرده‌است. او دربارهٔ نظر شوشتری توضیح داده‌است که با توجه به شباهت بسیار دو عنوان ابوالعباس احمدبن نوح‌بن علی‌بن عباس‌بن نوح سیرافی و ابوالعباس احمدبن علی‌بن عباس نجاشی، و به‌خصوص با عنایت به قاعدهٔ اختصار در نسبت‌دادن به جد که نام این دو تن را مشابه یکدیگر می‌سازد (ابوالعباس احمدبن‌عباس)، امکان خَلط این دو نفر با یکدیگر وجود دارد، اما بررسی اسناد و گزارشهای راجع به حیات ابن‌نوح سیرافی* نشان می‌دهد که وی سالها قبل از ۳۷۲ به‌دنیا آمده و سالها قبل از ۴۵۰ درگذشته‌است. بر این اساس، دلیلی بر نادرستی قول علامه حلّی دربارهٔ ولادت و وفات نجاشی نداریم و باید آن را پذیرفت (برای تفصیل ادلّه ــــ همانجا). این نکته را هم می‌افزاییم که وفات نجاشی در *الوافی بالوفیات صَفَدی* (ج ۷، ص ۱۸۷) نیز در ۴۵۰ در مطیرآباد دانسته شده که منبع آن غیر از *خلاصةالاقوال* علامه حلّی است.

در مقالهٔ یادشده همچنین نشان داده شده‌است که تاریخ وفات ابویعلی جعفری ظاهراً همان سال ۴۶۳ است و عبارت «مات رَحمه‌اللّه... سنة ثلاث و ستین و اربعمأة...» از خطوط الحاقی در نسخه‌های موجود *رجال* نجاشی است که پس از وفات نجاشی وارد متن *رجال* شده‌است.

انگیزه و سبب تألیف. *رجال* نجاشی به انگیزهٔ دفاع از کیان تشیع و برای روشن‌ساختن اصالت این مذهب و پیشینهٔ تاریخی و فرهنگی آن نگارش یافته‌است. در سرآغاز کتاب (ص ۳)، مؤلف با اشاره به سخن شخص ارجمندی که از او با عنوان «السیّد الشریف اطال اللّه بقاءه و ادام توفیقَه» یاد کرده، نوشته‌است که گروهی از مخالفان در تحقیر شیعه گفته‌اند «لاسَلَفَ لکم و لامصنَّفَ» (شما نه عقبه‌ای دارید و نه نوشته‌ای) و *رجال* نجاشی پاسخی است به این سخن ناآگاهانه (برای

موردی مشابه در دهه‌های اخیر ← *الذریعة الی تصانیف الشیعة**).

برخی مراد از «السید الشریف» را در عبارت پیش‌گفته، سیدمرتضی علم‌الهدی دانسته‌اند (← خوانساری، ج ۱، ص ۶۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ قس موحدابطحی، ج ۱، ص ۷۹)، اما هرچند این فرد، شخصیت بزرگی بوده و برای تألیف کتاب طرحی داده و محدودهٔ آن را مشخص ساخته و نجاشی (همانجا) نیز امیدوار بوده‌است که کتابش مطابق آن طرح باشد، دلیلی در دست نیست که او سیدمرتضی باشد، و حتی شاید دعای ذکرشده دربارهٔ این شخص درخور مقام رفیع علمی سیدمرتضی نباشد (قس سخن نجاشی، ص ۲۷۰ـ۲۷۱، دربارهٔ سیدمرتضی). به هر حال، انگیزهٔ تألیف کتاب سبب شده‌است که به هرگونه فعالیت فرهنگی و علمی مرتبط با مقولهٔ تألیف و تصنیف توجه شود و همهٔ مرتبطان با مذهب شیعه در محدودهٔ این کتاب قرار گیرند.

اهداف تألیف. در عنوان فرعی کتاب به اهداف تألیف آن به این شکل اشاره شده‌است: ذکر آثار پدیدآورندگان، همراه با دانسته‌هایی در باب کنیه و لقب ایشان، یادکرد منازل و انسابشان و سخنانی که در مدح یا ذمشان گفته شده‌است. لقب راوی غالباً بیانگر انتساب فرد به قبیله (اعم از اصلی و الحاقی ← ادامهٔ مقاله)، شهر یا روستا (← ص ۲۷۶)، شغل او همچون خراز و طحّان (ص ۲۰، ۲۳)، ویژگی علمی و فرهنگی وی همچون نسب‌شناس و ادیب (ص ۴۳۴، ۷۰)، اوصاف فردی وی همچون ضریر و أحول (ص ۲۵، ۵۰، ۱۲۰)، اشاره به شرافت نسب او همچون شریف (ص ۶۵)، و اوصاف خاص او همچون فارِس و فاتِک (ص ۹) است. مؤلف برای شناساندن راوی به ذکر شهرت وی به یک نام خاص توجه کرده‌است که غالباً در آن لقب راوی، یا نام پدرش (ابن‌فلان) و گاهی برادرش (ص ۱۰۳) یا برادرزاده‌اش (ص ۶۴)، یا اسم راوی به لهجهٔ محلی (ص ۲۶۰، ۳۴۱) دیده می‌شود و با عبارت «المعروف» یا «یُعرَف» بیان شده‌است.

مراد از «منازل» راویان در سخن نجاشی، منزلت اجتماعی یا فرهنگی یا علمی یا موقعیت آنها نزد امامان علیهم‌السلام است. نجاشی به ریاست و امارت شخص در شهر محل سکونت (← ص ۸۲، ۳۷۱) یا در میان قبیله‌اش (ص ۱۲۴، ۴۲۰)، جلالت دینی و دنیایی فرد در تراز وزرا (ص ۳۱)، حرمت داشتن او در نزد سلطان (ص ۳۳۸، ۳۹۳)، جایگاه بلند علمی و منزلت والای او در علم و دین و دنیا (ص ۳۸۲) و منزلت درخور توجه او نزد امامان (ص ۱۰، ۷۵، ۱۵۶، ۱۹۷) و مانند آنها اشاره کرده‌است. عبارتهایی چون «عظیم‌المنزلة»، «جلیل»، «جلیل فی أصحابنا»، و بیش از همه عبارت «وجه» و مشتقات آن که بیش از هشتاد بار به‌کار رفته، بیانگر «منازل» اشخاص است؛ با این ملاحظه که گاهی این منزلت نزد طایفه‌ای خاص، مثلاً واقفه، بوده‌است (← ص ۳۶، ۳۸، ۱۳۲). ذکر فقها و متکلمان (بیش از پنجاه مورد) و دیگر دانشمندان را نیز می‌توان از منظر همین هدف نجاشی توضیح داد.

نجاشی در *رجال* به یادکرد نسبتِ قبیله‌ای اشخاص اهتمام ویژه دارد. برخی از اشخاص عرب اصیل بوده‌اند که با واژه‌های عربی (بیش از سی‌بار) «صلیب» (← ص ۷۲، ۱۸۷) و «صمیم» (ص ۳۰۹ـ۳۱۰) بدان اشاره شده‌است. واژهٔ «مولی» نیز در این کتاب پربسامد است (بیش از دویست بار) و مراد از آن عضویت الحاقی به یک قبیله است که غالباً بر آزادشدن فرد یا یکی از اجداد او به دست یکی از افراد آن قبیله دلالت دارد، و گاهی فرد به همان شخص آزادکننده منسوب می‌شود. در مواردی نیز پس از ذکر نسبت قبیله‌ای، تعبیر «مولاهم» (بیش از هشتاد بار) آمده‌است؛ این تعبیر فقط یک‌بار در*فهرست* طوسی (ص ۴۷؛ و برگرفته از آن در نجاشی، ص ۱۳) به کار رفته‌است. موارد تصریح‌شده به کلمهٔ مولی در*فهرست* طوسی بیشتر در باب الف و بسیار کمتر از *رجال* نجاشی است. این تفاوت بارز نشانهٔ تفاوت روش دو کتاب و گرایش نسب‌شناسانهٔ نجاشی است؛ گرایشی که طوسی نیز در آغاز تألیف *فهرست* داشته، اما برای تسریع در کار آن را رها کرده‌است. ضمن آنکه ممکن است این تفاوت به تفاوت منابع دو مؤلف نیز بازگردد.

تمایل نجاشی به انساب و آگاهی وی از علم انساب، به‌ویژه با توجه به تألیف کتاب *أنساب بنی‌نصربن قُعَین* (← ص ۱۰۱، نصربن قعین نیای پانزدهم نجاشی است)، سبب شده‌است که گاه نسب راوی را تا یعرب‌بن قحطان برساند (← ص ۳۹۹، ذیل نام شیخ‌مفید که در آن نسب او تا ۳۶ نسل قبل آمده‌است و از اهمیت‌دادن به شخصیت وی حکایت می‌کند). نجاشی (ص ۱۰۱) نسب خود را نیز با ۲۹ واسطه تا مَعَدّبن عدنان نام برده‌است. در برخی شرح‌حالها نَسَب راوی با ذکر نامهای بسیار تا بنیانگذار قبیله (اَزْد، بَکر، کَلْب و مانند آن) ادامه یافته‌است (← ص ۱۲۴، ۳۹۶، ۴۳۴). نسب سادات نیز تا امامان علیهم‌السلام و غالباً تا امیرمؤمنان علیه‌السلام رسانده شده‌است (← ص ۶۴، ۲۷۰، ۳۹۸). یک سلسله‌نسب جالب توجه در این کتاب، نسبی است با ده نام که پنج نام پایانی آن ایرانی است (← ص ۳۸۵).

مهم‌ترین هدف *رجال* نجاشی پس از یادکرد مصنفان و تصنیفات ایشان، نقل مدح و ذم آنان است (مثلاً ← ص ۲۱۱: ما قیلَ فی کلّ رجلٍ منهم مِن مدحٍ أو ذمٍّ). پربسامدترین واژهٔ دارای بار معنایی رجالی واژهٔ «ثقه» است (بیش از پانصد بار) که گاهی با تعابیری چون «فی حدیثه» و «فی‌الحدیث» همراه است. در

برخی موارد نیز عبارتی به‌کار رفته که نشانهٔ انحراف مذهبی فرد است (مثلاً ص ۷۸، ۱۸۱، ۱۹۴، قس ص ۲۰۸، ۲۳۲). نجاشی دربارهٔ برخی راویان توضیح داده که خودشان ثقه بوده‌اند (ثقةٌ فی نفسه)، اما از راویان ضعیف روایت کرده‌اند (مثلاً ص ۶۲، ۷۶). این‌گونه توضیحات نشان می‌دهد که بسیار روایت کردن از راویان ضعیف روشی نامتعارف بوده، و بنابراین روایت بسیارِ غالب راویان از یک راوی بر وثاقت او نزد ایشان دلالت دارد (ــ نوری، ج ۷، ص ۹۸ـ۹۹). تعبیرات مدح‌آمیز دیگری نیز پس از ثقه ذکر شده‌است، مثل صحیح‌الحدیث، وجه، جلیل، صدوق و بیش از همه کلمهٔ «عَیْن» (بیش از پنجاه بار). گفتنی است، کاربرد عبارت «ثقةٌ عینٌ» از اواخر جزء اول (ص ۱۹۵) آغاز شده و به‌تدریج افزایش یافته‌است که می‌توان آن را قرینه‌ای بر آن دانست که کتاب به همین ترتیب موجود و به‌تدریج نگارش یافته‌است. «ثقةٌ ثقةٌ» (۳۴ بار) نیز تعبیری درخور دقت است؛ برخی کلمهٔ دوم را «نِقةٌ» و از باب اِتْباع دانسته‌اند (ــ کلباسی، ج ۱، ص ۱۰۷)، اما به نظر می‌رسد، ثقةٌ برای تأکید بر وثاقت تکرار شده‌است (به‌ویژه ــ ابن‌داوود حلّی، ستون ۳۸۲ـ۳۸۳). به‌هر حال، این تعبیر در *فهرست* طوسی به کار نرفته‌است و کاربرد آن در *رجال* وی نیز ثابت نیست (قس طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۳)، اما در چند مورد از *رجال* ابن‌غضائری* به‌کار رفته (ــ نجاشی، ص ۷۷؛ ابن‌داوود حلّی، ستون ۳۸۳) و شاید نجاشی در به‌کارگیری آن از ابن‌غضائری پیروی کرده که سخنانش مورد استناد نجاشی بوده‌است (ــ ادامهٔ مقاله).

ابن‌داوود حلّی (ستون ۳۸۷ـ۳۸۸) موارد کاربرد تعابیر خاص، مانند «قریب‌الأمر»، «لیس بِذاک»، و «لابأس به» در *رجال* نجاشی را فهرست کرده‌است. این عبارتها چندان روشن نیست، و دو عبارت نخست از عبارتهای اختصاصی نجاشی است و به این شکل در دیگر کتابهای رجالی نیامده‌است (قس طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۱، ۲۷۲). تعبیر «قریب‌الأمر» معمولاً از الفاظ مدح و گاه تعدیل دانسته شده‌است (ــ شهیدثانی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳۵؛ شیخ بهائی، ص ۵۴۵؛ بصری، ص ۳۷؛ میرداماد، ص ۱۰۳؛ محمدتقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۶۱)، اما برخی آن را از الفاظ مدح نمی‌دانند (ــ بهبهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۶؛ کنی، ص ۲۳۷ـ۲۳۸؛ نراقی، ص ۳۲؛ برای بررسی بیشتر ــ علامه حلّی، ص ۱۴۵؛ شهید اول، ج ۳، ص ۴۵۴؛ محمدباقر مجلسی، ج ۵۶، ص ۸۸). عبارت «لیس بذاک» نیز که برخی آن را از الفاظ ذم و جرح شمرده‌اند (ــ شهیدثانی، همانجا؛ مازندرانی حائری، ج ۱، ص ۱۱۵ و پانویس ۱)، به نظر برخی دیگر، مدح راوی را افاده می‌کند (ــ بهبهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۳). نجاشی گاهی ضمن یادکرد یک مؤلف، دیگر افراد ثقهٔ خاندان وی را، به‌ویژه کسانی که راوی حدیث بوده‌اند، نیز معرفی کرده‌است، مثل پدر (ص ۴۹)، پدر و جد (ص ۳۰)، پدر و عمو (ص ۳۶۲)، برادر (ص ۷۳، ۱۴۳)، برادران (ص ۱۱۰)، عموها (ص ۲۷)، دایی‌ها (ص ۱۳۵)، و عمه (ص ۱۰۸). از تضعیف دیگر افراد خاندان راوی یا اشاره به انحراف مذهبی ایشان نیز نمونه‌هایی می‌توان یافت (ــ ص ۳۸، ۱۸۰). گاهی نیز خاندان راوی به‌طور کلی توثیق شده‌اند (ــ ص ۲۷، ۲۳۱).

توثیق ضمنی افراد گاهی عبارت نجاشی را مبهم کرده و تشخیص اینکه این توثیق به شخص اصلی بازمی‌گردد یا به شخص یا اشخاصی که در ضمن معرفی شده‌اند، دشوار است (برای نمونه ــ ص ۵۲، ش ۱۱۶؛ نیز ــ ابن‌داوود حلّی، ستون ۱۱۴؛ محمدبن حسن‌بن زین‌الدین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ خویی، ج ۴، ص ۳۸۲ـ۳۸۳؛ برای نمونهٔ دیگر ــ نجاشی، ص ۳۳۹، ش ۹۰۶؛ نیز ــ مقدس اردبیلی، ج ۳، ص ۲۵۷؛ شهیدثانی، ۱۳۷۹ـ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۱۰۵۷؛ محمدبن حسن‌بن زین‌الدین، ج ۱، ص ۲۱۱ـ۲۱۲، ج ۳، ص ۱۱۱). گفتنی است که نجاشی در ساختار نگارش عربی، عطف به ضمیر مرفوع مستتر را جایز دانسته (شوشتری، ج ۱، ص ۳۵)، و بنابراین عبارت «ثقة و أخوه» را به‌کار برده‌است (برای نمونه ــ ص ۵۳، ۴۳۷، ۴۴۵، قس ص ۶۱، ۷۲، ۱۲۶، نیز ــ ص ۲۱: ثقة هو و اخوه). ناآشنایی با این سبک نگارش گاهی منشأ غفلت از توثیق ضمنی شده‌است (شوشتری، همانجا؛ برای مواردی دیگر از این سبک ــ نجاشی، ص ۹۶، ۱۱۰).

نجاشی بیش از پنجاه بار واژهٔ «ضعیف» را که گاهی افزوده‌ای نیز دارد، به‌کار برده‌است. این تعبیر را معمولاً دلیل بر ضعف راوی دانسته‌اند (ــ شهیدثانی، ۱۳۸۲ش، همانجا؛ میرداماد، ص ۱۰۳؛ قس بهبهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷؛ کلباسی، ج ۲، ص ۴۵۱)، اما عبارت «ضعیف فی‌الحدیث» یا «ضعیف‌الحدیث» به باور بسیاری از محققان، لزوماً مورد اعتماد نبودن راوی را نمی‌رساند، بلکه ممکن است به‌معنای رعایت نکردن اصول صحیح تحدیث از سوی راوی باشد و به ضعیف بودن مشایخ وی بازگردد (ــ موسوی عاملی، ج ۱، ص ۲۵۳؛ بهبهانی، ۱۴۰۴، همانجا؛ نجفی، ج ۱۴، ص ۳۳۸)، لذا با توثیق راوی تعارض ندارد. در این میان، بیش از بیست بار عباراتی نظیر «ضعیف جداً» یا «کذابٌ» به کار رفته‌است (مثلاً ص ۲۲۸، ۲۵۱)، و بررسی این موارد نشان می‌دهد که بیشتر این افراد یا صریحاً غالی خوانده شده‌اند یا نسبت غلو دربارهٔ ایشان مطرح بوده‌است. البته، نجاشی در نسبت دادن غلو به راویان در بسیاری از موارد تردید کرده و این نسبت را با عباراتی همچون «قیلَ» همراه ساخته‌است (مثلاً ص ۲۴، ۳۳۷، ۴۱۶). این روش نشان می‌دهد که هرچند مسئلهٔ غلو از دغدغه‌های مهم نجاشی بوده، وی به سادگی انتساب افراد به غلو را

نمی‌پذیرفته و در این خصوص با احتیاط رفتار می‌کرده‌است.

واژه‌هایی چون غلو، ارتفاع، ترفّع، تخلیط، اضطراب، فساد مذهب و مشتقات آنها بیشتر با غلو و مراتب آن ارتباط دارد و غالباً به متن‌شناسی کتابهای مؤلفان مذکور در *رجال* مستند بوده‌است؛ ازاین‌رو، نجاشی در مواردی که با بررسی متنیِ کتابهای یک شخص، مفاهیم غلوآمیز در آنها نیافته، نسبت دادن غلو به آنان را با تردید یا انکار نگریسته‌است (← ص ۳۸، ۲۵۵، ۳۸۴). راویانی که نخست روش صحیح داشته و سپس منحرف شده‌اند نیز از دید نجاشی دور نمانده‌اند (برای نمونه ← ص ۲۰۸)؛ البته گاهی گزارش انحراف‌یافتن راوی در نزد وی به اثبات نرسیده‌است (← ص ۳۸، ۴۴).

محمدبن حسن‌بن ولید قمی (متوفی ۳۴۳)، شیخ قمیان، پس از بررسی *نوادرالحکمة* که از کتب مرجع شیعه پیش از کتب اربعه بود (← ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳ـ۴)، روایتهای افراد بسیاری را استثنا کرد و از نقل آنها خودداری ورزید که «مستثنیات ابن‌ولید» نام گرفت (← نجاشی، ص ۳۴۸). در *فهرست* طوسی (ص ۴۱۰) این استثناها به نقل از محمدبن علی‌بن بابویه، معروف به شیخ‌صدوق، و با عنوان «الّا ما کان فیه مِنْ تخلیطٍ» آمده که حاکی از پیروی کامل صدوق از استادش ابن‌ولید است (نیز ← نجاشی، همانجا؛ دربارهٔ پیروی ابن‌بابویه از ابن‌ولید ← ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۰؛ همو، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۸)؛ اما نجاشی در مواردی این نظر را نپذیرفته و ضمن نادرست خواندن استثنا کردن بعضی از راویان حتی از وثاقت و جلالت آنان سخن گفته‌است (مثلاً محمدبن عیسی‌بن عُبید؛ ص ۳۳۳ـ۳۳۴). برخی از راویان به‌گفتهٔ نجاشی (ص ۳۷ـ۳۸) با وجود ضعیف بودن «کتاب حَسَن» داشته‌اند. در مورد برخی دیگر، پس از نقل تضعیف یک راوی و متهم شدن او به غلو، کتابهای وی را با تعبیر «صحیحةالحدیث» ستوده (← ص ۴۲) که احتمالاً حاکی از دفاع نجاشی از آن راوی و به معنای انکار و دست‌کم تردید در ضعف اوست. دفاع نجاشی از راویان و مصنفان در برابر نسبت تضعیف، در مواردی دیگر هم دیده می‌شود (مثلاً ص ۳۲۹). البته، او گاهی به اعتقادات نادرست یک شخص همچون اعتقاد به قیاس (← ص ۳۸۸)، جبر و تشبیه (ص ۳۷۳، نیز ← ص ۳۲۹)، و آموزهٔ معتزلیِ وعید (ص ۳۸۱) نیز اشاره کرده‌است.

نجاشی به انحراف اعتقادی راویان و مؤلفان شیعه نیز توجه کرده‌است؛ بیش از سی تن واقفی، چهار تن فَطَحی (که دو تن آنها سرانجام هدایت شده‌اند؛ ← ص ۳۵، ۲۵۲) و یک تن متهم به کَیْسانی بودن (ص ۲۳۷) در این کتاب معرفی شده‌اند. علاوه بر ایشان، بیست تن از پیروان مذهب اهل سنّت و هفت تن زیدی‌مذهب نیز معرفی شده‌اند که از موضوع اصلی کتاب خارج است، اما به اقتضای مناسبات آنان با شیعیان، و اقتضای مطلب ذکر شده‌اند؛ مثلاً در یک جا نجاشی (ص ۴۴۰) اشاره کرده که یک راوی به انگیزهٔ تقریب به برخی زیدیان کتابی نگاشته و امامان را سیزده تن (دوازده امام با زیدبن علی) معرفی کرده‌است. زیدیان هدایت‌یافته به مذهب امامیه نیز در *رجال* نجاشی (ص ۱۷، ۳۷۴) ذکر شده‌اند. مؤلف به توبهٔ برخی واقفیان (← ص ۳۰۰) یا شک و تردید ایشان در این اعتقاد (ص ۲۱) اشاره کرده و در جایی (ص ۲۳۲) گفته‌است که شخص معرفی‌شده در بیشتر عمر خود واقفی و آمیخته با ایشان بوده و سپس به مذهب امامیه گراییده، اما بزرگان شیعه او را طرد کرده‌اند؛ گویا ایشان بازگشت وی به تشیع را باور نداشته‌اند. برخی اشخاص در ابتدا از اهل سنّت بوده و سپس به تشیع گرویده‌اند (← ص ۳۵۰)؛ برخی معتزلی بوده و شیعه شده‌اند (ص ۲۶۹، ۳۷۵، ۳۸۱)، که البته گاهی با ثَبات نداشتن در مذهب تشیع همراه بوده‌است (ص ۴۰۳)؛ نومسلمان بودن یک فرد یا خاندان وی (ص ۲۵۳، ۳۷۹) نیز در این کتاب یادآوری شده‌است.

نجاشی افزون بر نکات پیشین، به نکات دیگری هم توجه کرده‌است؛ مهم‌ترین آنها بیان طبقهٔ راویان و مصنفان است که در بحثهای مختلف رجالی همچون کشف سقط در اَسناد، «تمییز مشترکات» و «توحید مختلفات» اثرگذار است. طبقهٔ راوی با بررسی همه یا برخی از موارد ذیل تعیین می‌شود: روایت راوی از معصوم علیه‌السلام که در بیشتر شرح‌حالهای وی از آن یاد شده، اما گاهی رد شده (← ص ۳۲۰) یا در آن تردید شده (ص ۲۰۰) و به اثبات نشدن آن اشاره رفته‌است (ص ۱۴۴، ۲۱۴)؛ شاگردان و مشایخ یک فرد، تاریخ وفات، به تنهایی، یا همراه با ذکر تاریخ ولادتش (ص ۸۳)؛ مدت دقیق یا تقریبی عمر راوی (ص ۱۲۲، ۲۴۹)؛ وفات راوی در عهد یکی از امامان معصوم (ص ۱۷۱)، و نقد گزارشهایی از این دست (ص ۱۹۴)؛ اشاره به اختلاف در تاریخ وفات راوی (ص ۷۷، ۱۷۸)؛ وفات راوی در جوانی (ص ۷۶، ۲۶۲)؛ و شناخت راویان معمَّر (دوازده مورد، از جمله ← ص ۲۲، ۴۷).

نجاشی ذیل نام اشخاص، گاهی ماجراهای جالب‌توجهی از زندگی آنان را نقل کرده (← ص ۴ـ۶، ۳۴ـ۳۶)، یا احادیث خاصی را که ایشان روایت کرده‌اند، درج نموده‌است (مثلاً ص ۹، ۳۹ـ۴۰)؛ گاهی حکایتی مرتبط با شخص معرفی‌شده را به اجمال نقل کرده (ص ۱۴۲، ۳۳۲، ۴۲۴)، و به‌ویژه به ذکر ماجراهای مهم که ارزش رجالی دارد، توجه داشته‌است؛ مثلاً واقعهٔ زندانی شدن ابن‌ابی‌عُمَیر (متوفی ۲۱۷) و از بین رفتن کتابهای او و روایت احادیث به مدد حافظه و به صورت مُرسَل و اعتبار یافتن این مراسیل (ص ۳۲۶). این مطالب بر ارزش کتاب نجاشی افزوده‌است.

نجاشی خصوصیات راوی را گاهی با سند نقل کرده (← ص ۲۰۷، ۳۲۸)، که از آن جمله است ماجرای شنیدنی ورود حضرت عبدالعظیم به ری (← ص ۲۴۷ـ ۲۴۸). این‌گونه اطلاعات *رجال* نجاشی را از قالب یک کتاب رجالی صرف خارج ساخته و آن را در زمرهٔ کتب تراجم قرار داده‌است. نقل مناظرهٔ مطایبه‌آمیز مؤمن‌الطاق، از اصحاب امام‌صادق، با ابوحنیفه (← ص ۳۲۶)، معجزه‌ای از امام‌هادی علیه‌السلام (ص ۴۱)، داستانی از تقوا و عبادت صفوان‌بن یحیی (ص ۱۹۷)، گوش سپردن پنهانی هارون‌الرشید به عبادت ثعلبةبن میمون و ستایش او (ص ۱۱۸)، و مطالبی از این دست، جذابیت خاصی به این کتاب داده‌است.

در *رجال* نجاشی مکان وفات راویان (در بیش از سی مورد) به تنهایی یا همراه با تاریخ وفات آنها ذکر شده‌است. گفتنی است، در نقلهای نجاشی از کتاب حُمَیْدبن زیاد اطلاعات افزون‌تری، از قبیل نام کسی که بر جنازهٔ شخص نماز خوانده و مدفن و زمان و مکان دفن، وجود دارد. به‌طور کلی، تفاوتهای اطلاعات شرح‌حالهای مذکور در این کتاب، چه‌بسا ناشی از سبک نگارش منابع آن بوده‌است؛ و با شناخت سبک نگارش آن منابع می‌توان در پاره‌ای از موارد، منبع *رجال* نجاشی را شناسایی کرد (مثلاً ص ۳۳۷، ش ۹۰۰).

در شرح‌حال اشخاص به موطن اصلی آنان با عبارتی نظیر «اصلُه کوفیٌ» (نوزده مورد؛ ← ص ۱۳، ۱۶) یا «أصلُه جرجان و سَکَن اصبهان» (ص ۳۸۰) نیز اشاره شده‌است؛ اصیل بودن یا مهاجر بودن یک فرد در یک شهر نیز محل توجه بوده و با عباراتی نظیر «بغدادیّ‌الاصل و المُقام» (← ص ۳۲۶)، و «سَکَن قم و لیس أصلُه منها» (ص ۳۴۱، نیز ← ص ۳۸۳) به آن اشاره شده‌است؛ از دو یا چند وطن داشتن (ص ۱۳، ۱۸)، نقل مکان از شهری به شهر دیگر (ص ۱۳، ۴۵۷) گاهی با ذکر سبب آن (ص ۱۷) و نقل مکان خاندان و تبار شخص (ص ۶۹، ۴۱۸) نیز یاد شده‌است. یادکرد تفصیلی خاندان اشخاص و تأکید بر معرفی بیوت (خاندانهای) شیعه (مثلاً ← ص ۲۷)، به‌ویژه بیوت راویان حدیث (مثلاً ص ۱۰۸) نیز در مدنظر مؤلف بوده‌است.

در *رجال* نجاشی از انواع مختلفی از تألیفات با نامهای کتاب، اصل، مصنَّف، مسائل، نوادر، نسخه و مجالس یاد شده‌است. در ۴۵٪ شرح‌حالها فقط به دارای کتاب بودن شخص (مثلاً لَهُ کتابٌ / کُتُبٌ) اشاره شده‌است که همه یا بیشتر آنها باید مجموعه‌های حدیثی راویان بوده باشد. در ده مورد، واژهٔ «اصل» دیده می‌شود (مثلاً ص ۲۵، ۱۰۳)، و گاه تعبیر «کتابٌ اصل» (ص ۵۱) آمده‌است که نشان می‌دهد اصل در تقابل با کتاب نیست. در بیش از سی مورد، عنوان «مسائل» ذکر شده که ناظر به پرسشهای راویان از امامان علیهم‌السلام و بیش از همه از امام‌رضاست. عنوان «نوادر» بیش از ۱۸۰ بار به‌کار رفته‌است (*کتاب نوادر* بیش از ۱۰۰ مورد، *نوادر* بیش از ۲۰ مورد، *النوادر* ۵۹ مورد که این تعبیر احتمالاً نام کتاب است، نه گونه‌ای از تصنیف). ظاهراً کتابهای *نوادر*، عنوان مجموعه‌های دربرگیرندهٔ احادیث پراکنده و بی‌نظمی بوده که همین موجب تبویب برخی از آنها شده‌است (← ص ۱۹۸، ۴۱۲). بیش از هفتاد بار از نسخه و کتابهایی منقول از امامان سخن به میان آمده که بیش از همه از امام‌صادق است. به‌روشنی معلوم نیست که آیا این کتابها به دست صاحبان نسخه‌ها تدوین یافته‌است، یا آنان متن مدونی را از امامان روایت کرده‌اند؛ احتمال نخست در بیشتر موارد قوی‌تر به‌نظر می‌رسد، هرچند، در پاره‌ای موارد احتمال دوم درست است (مثلاً ← ص ۴۲۶: *صحیفة سجادیة*، ص ۱۱۶: *رسالةالحقوق*، هر دو از امام‌سجاد، ص ۲۱۳: رساله امام‌صادق به عبداللّه‌بن نجاشی والی اهواز).

کتابها موضوعات متنوعی چون حدیث، فقه، تفسیر، قرائت، علوم قرآنی، تاریخ و سیره، رجال، تراجم، انساب، لغت، صرف، نحو، شعر، اصول فقه، پزشکی، نجوم، کلام، رد بر ادیان و فرق انحرافی و افراد منحرف و مناظرات را دربرمی‌گیرند. ذکر آثاری در نقد اهل منطق (← ص ۶۳)، آیینه‌ها و مسئلهٔ إبصار (همانجا)، دیرها و معابد (ص ۲۶۴)، مَنامات (ص ۲۶۵)، مُسند ابونُواس و جُحی و اشعب و بهلول و جُعَیفران (ص ۳۱۰) و آثاری از این دست، نشانهٔ تنوع موضوعی تألیفاتی است که صاحبان شرح‌حالهای کتاب نجاشی نوشته‌اند.

نجاشی گاهی انتساب کتاب به یک شخص را انکار یا در آن تردید کرده (مثلاً ← ص ۱۲۹)، از اختلاف دربارهٔ مؤلف یک کتاب (همانجا)، اختلاف نسخه‌های یک کتاب (ص ۱۶۵)، انتساب کتاب استادی به شاگردش (ص ۲۱۶، ۳۶۲)، وجود تردید دربارهٔ تألیف کتاب به دست استادی یا شاگردش (ص ۱۲۶)، و افزوده‌های شاگرد در کتاب استاد (ص ۲۳۵، ۲۸۷، ۳۱۶) سخن گفته‌است که به شناسایی دقیق مؤلف مدد می‌رساند. او در تأیید یا تضعیف کتابها نیز اظهارنظر کرده با عباراتی چون: بی‌نظیر (← ص ۹۶ـ۹۷، ۲۷۰، ۳۷۴، ۳۷۹)، بزرگ‌ترین در موضوع خود (ص ۲۶۴)، بسیار سودمند (ص ۳۷، ۳۹ـ۴۰، ۹۳)، عرضه شده بر امام و تقدیر امام از آن (ص ۲۳۱)، صحیح بودن کتابهای مؤلف به‌جز یکی از آنها (ص ۳۲۹)، مجعول بودن کتاب (ص ۲۵۸) و نادرست بودن بیشتر مطالب کتاب (ص ۲۳۴). توضیح دربارهٔ اندازهٔ کتابها با ذکر تقریبی صفحات آنها (← ص ۹۷)، یا با وصف کوچک یا بزرگ‌بودن آنها (ص ۱۷، ۴۹، ۵۷) و نقل این اوصاف از دیگران (ص ۲۶۳، ۳۷۹، با عبارت قیل)، از دیگر نکات درخور توجه در اثر نجاشی است. او دربارهٔ عبدالملک‌بن عُتبه یادآوری کرده که کتاب

منسوب به وی از او نیست بلکه از شخصی همنام اوست (← ص ۲۳۹). نجاشی برای بیان اعتبار کتاب یا کتابهای یک مؤلف از تشبیه آنها به آثار مشهور و معتبری چون کتابهای حسین‌بن سعید (← ص ۲۵۳، ۲۶۲)، کتاب ابن‌خانْبه (ص ۲۵۵)، مشیخهٔ حسن‌بن محبوب (ص ۱۱۹)، و کتاب حلبی (ص ۳۶۶) بهره گرفته‌است. آثاری که به اشتراک نوشته شده، ذیل شرح‌حال یکی از دو مؤلف (← ص ۲۴ـ۲۵)، یا هر دو مؤلف (ص ۱۳۶، ۴۲۰) آمده و گاهی ذیل نام یکی از دو مؤلف هر دو را شناسانده‌است (برای نمونه ← ص ۵۸ـ۶۰: حسن‌بن سعید اهوازی و برادرش حسین‌بن سعید). نجاشی در مواردی که خود، کتابهای فردی را ندیده (← ص ۱۵، ۴۸، ۸۷ـ۸۸)، یا فقط یک کتاب (ص ۹۲) یا قسمتی از یک کتاب (ص ۹۷) یا برخی از کتابهای مؤلف (ص ۲۴۴) را دیده، به این نکته توجه داده‌است (نیز ← ص ۲۳۵، ۳۰۴، حاوی گزارشی از ابن‌نوح با همین سبک). او بیش از دویست بار، پس از ذکر کتابهای یک مؤلف به راوی یا راویان کتاب نیز اشاره کرده‌است (مثلاً «یرویه جماعة»، «یرویه فلان»، «یرویه جماعة منهم فلانٌ»)؛ و ظاهراً سبب تأکید نجاشی این است که در سده‌های نخستین تا حدود اواخر سدهٔ سوم، راویان کتب، خود، در تألیف کتابها همکاری داشته‌اند و چه‌بسا کتابی را راوی آن تدوین می‌کرده‌است. درواقع، استاد در مجلس درس مطالب را القا و راوی او آن مطالب را تدوین می‌کرده و کتاب را پدید می‌آورده‌است؛ لذا سهم شاگرد / راوی را در تألیف نباید نادیده گرفت. گویا توصیهٔ ابن‌نوح سیرافی به نجاشی (ص ۶۰) به اینکه باید از هر نسخه کتاب صرفاً به مطالب همان نسخه اکتفا کرد و مطالب نسخه‌های مختلف را در هم نیامیخت، ناظر به همین ملاحظه بوده‌است. این احتمال هم هست که مؤلف کتابش را تنقیح و بازخوانی کرده و سبب پدیدآمدن نسخه‌های مختلف کتاب شده‌است. نجاشی دربارهٔ بسیاری از مؤلفان به این نسخه‌های گوناگون یا روایتهای مختلف اشاره (مثلاً ص ۳۲۷) و در برخی موارد تصریح کرده که اختلاف نسخه‌ها اندک است (مثلاً ص ۶، ۲۳۱). او به اختلاف نسخه‌های کتاب به دلیل اختلاف راویان (← ص ۱۰۹، ۲۸۲، ۳۲۷)، و نیز اختلاف کوفیان و قمیان در روایت یک کتاب (ص ۱۲۷، ۲۵۸) نیز اشاره کرده‌است.

یکی دیگر از ویژگیهای *رجال* نجاشی شناختی است که از «مدرسه»های علمی کوفه، بغداد و قم به دست داده‌است (← ص ۳۵۱) و از آنها با عبارتهای کوفیون (ص ۱۶، ۱۲۷، ۱۸۳، ۲۳۸، ۲۵۸) و قمیون (ص ۱۷، ۲۷، ۸۲، ۹۱، ۲۱۹) یاد کرده، و گاه از قمیون انتقاد (ص ۳۶، ۳۸، ۳۲۹) یا در گفتارشان تردید کرده (ص ۷۷، ۳۳۸)، و گاه با انتقاد از بغدادیون (ص ۲۳۳، به‌گونهٔ تردیدآمیز) سخن گفته‌است.

نجاشی غالباً پس از ذکر کتاب یا کتابهای مؤلفان، طریق خود را به ایشان ذکر کرده‌است. در مقدمهٔ کتاب (ص ۳) و نیز در برخی از شرح‌حالها اشاره شده‌است که تنها یک طریق (← ص ۱۱۶، ۱۲۷)، یا یک یا دو طریق (ص ۱۲۷) یا برخی از طریقها را ذکر می‌کند تا کتاب حجیم نشود، چون غرض اصلی کتاب ذکر طریق نیست. طریق یا طرق نجاشی به این کتابها نشان‌دهندهٔ آن است که او آن آثار را به یکی از راههای معروف سَماع، قرائت، اجازه، مناوله و جز آن تحمل (شنیدن و فراگرفتن حدیث) کرده‌است. عبارت «اَخْبَرَنا بکتابه» به‌معنای آگاهی دادن از انتساب یک یا چند کتاب به مؤلف آن نیست، هرچند از بسیاری شرح‌حالها برمی‌آید که نجاشی از همین طرق به نام کتابهای مؤلفان دست یافته و به همین دلیل گاه انتساب کتاب به یک مؤلف فقط در ضمن طریق آمده (نزدیک به شصت مورد)، و بیش از پنجاه مورد، و دست‌کم برای برخی از کتابها طریق اختصاصی ذکر شده‌است (مثلاً ص ۸، ۱۱، ۱۸، ۴۱۱). در عین حال، در برخی از شرح‌حالها نیز کتابهای مؤلف به استناد گفتار کسی نام برده شده که نامش در ضمن طریق نیامده‌است (← ص ۷۷، ۱۲۱). طریق به کتابها لزوماً به این معنا نیست که نجاشی کتاب را دیده، زیرا ممکن است طریق به روش اجازهٔ عام و بدون در اختیار گذاشتن نسخه باشد. لذا در موارد بسیاری با آنکه نجاشی به رؤیت نکردن کتاب تصریح کرده، طریق به آن را با عبارت «أخبرنا» آورده‌است (مثلاً ص ۹۷، ۲۳۵، ۲۴۴). در موارد نه چندان اندکی بدون ذکر طریق، فقط به بیان انتساب کتاب به مؤلف بسنده شده‌است؛ بسیاری از این مؤلفان (حدود ۱۵۰ تن) متکلم و ادیب بوده‌اند که به یادکرد چگونگی دستیابی به کتابهایشان چندان نیاز نبوده‌است. دربارهٔ برخی معاصرانش هم نجاشی با تصریح به مؤلف بودن ایشان و به‌رغم ملاقات با آنها (← ص ۶۵، ۷۴)، به دلیل اخذ نکردن حدیث از ایشان (ص ۲۳۰، ۳۹۷)، طریقی به کتابهای آنها ذکر نکرده‌است.

نجاشی در شرح‌حال ابوالمفضّل شیبانی (← ص ۳۹۶) و ابن‌عیّاش (ص ۸۶) تصریح کرده که با وجود سماع بسیارِ حدیث از ایشان، به دلیل اینکه مشایخ آنها را تضعیف کرده‌اند، از روایت مستقیم از آنان خودداری کرده‌است. مراد از این سخنْ روایت با عباراتی همچون «أخبرنی» و «حدّثَنی»، «قال لی» و «سَمعتُ» است که نشان از تحمل مستقیم حدیث دارد (خویی، ج ۱۶، ص ۲۴۴، قس ج ۲، ص ۲۸۸ـ ۲۸۹)؛ لذا مطالب این اشخاص را با واژهٔ «قال» و «رَوَی» آورده‌است (برای نمونه ← ص ۳۹، ۵۱، ۱۳۲، ۱۶۶). دربارهٔ برخی از افرادی که نجاشی آنها را درک کرده، اما موفق به اخذ اجازه از آنها نشده‌است نیز این‌گونه تعبیرات دیده می‌شود (← ص ۳۹۷ ش ۱۰۶۲، قس ص ۸۴، ش ۲۰۲، ص ۱۸۴، ش ۴۸۵). تأمل در تعبیرات *رجال* نجاشی نشانهٔ دقت

بسیار وی در کاربرد الفاظ در هنگام ذکر طریق است.

در *رجال* نجاشی گاهی در ضمن ذکر طریق به کتابهای یک مؤلف، کتاب خاصی استثنا شده‌است (ــــ ص ۳۵۴). این استثنا به این معنا نیست که او یا افراد واقع در طریق به کتاب، انتساب آن را به مؤلف درست نمی‌دانسته‌اند، بلکه به این معناست کـه آنان به دلیل اشتمال کتاب بر مطالب نادرست، بـه‌ویژه مـطالب غلوآمیز، از دادن اجازهٔ روایت این کتاب به شاگردان خود احتراز می‌کرده‌اند. نجاشی دربارهٔ راویان ضعیف برای مصون ماندن از تأیید کامل، اجازهٔ روایت آثار ایشان را با عباراتی نظیر «الّا ما کان مِن غلوٍّ و تخلیطٍ» (ــــ ص ۸۰) یا «ما خَلا التخلیطِ» (ص ۳۳۶) همراه ساخته‌است. از سوی دیگر، نجاشی به سـماع یـا قـرائت بسیاری از کتابها از مؤلفان آنها تصریح کرده که بهترین منبع برای شناخت حیات علمی او است (ــــ درياب نجفی، ص ۲۱ـ۲۴). به نظر می‌رسد، سایر طرق نجاشی به این دو روش نبوده‌است و به احتمال زیاد، بیشتر آنها به طریق اجازه صورت گـرفته‌است، هرچند فقط در برخی موارد به کلمهٔ «اجازةً» یا «أجازَنا» و مانند آن تصریح شده‌است.

تحمل کتب به طریق وصیت، با وصیت ابـن‌نوح بـه کـتب خود (برای نمونه ــــ ص ۶۷، ۱۰۲) یا وصیت شاگرد مؤلف یک اثر به نجاشی (ص ۳۸۳) امکان‌پذیر شده‌است. نجاشی در ذیل نام برخی مؤلفان اشاره کرده که شماری از کتابها (ــــ ص ۲۷۰)، یا بیشتر کتابهای آن مؤلف (ص ۲۶۸)، را خریده‌است. در جایی نیز تصریح کرده که نسخهٔ قرائت‌شده بر مؤلف در نزد وی هست (ص ۳۸۳)، یا خبر داده که شخصاً نسخهٔ اصلی کتاب به خـط مؤلف را دیده‌است (ص ۲۶۹). همچنین گـاهی در ضـمن ذکـر طریق به یک کتاب به ضعف و نـابسامانی و غـرابت آن اشـاره کرده‌است (ــــ ص ۶۰، ۲۹۸، ۳۳۶، ۴۲۴). در معرفی حسین‌بن سعید اهوازی* و برادرش حسن، پاسخ ابن‌نوح به نامهٔ نجاشی دربارهٔ طرق کتابهای حسین‌بن سعید درج شده که در آن به پنج راوی آن کتابها و طریق بـه آن پـنج روایت (نسـخه) و ارزیـابی اجمالی آنها پرداخته‌است (ــــ ص ۵۹ـ۶۰).

ساختار کتاب. *رجال* نجاشی به ترتیب حروف تهجّی (الفبا) تنظیم و هر حرف ذیل یک «بـاب» آمـده‌است؛ در چـند بـاب، عنوانهای فرعی نیز دیده می‌شود، همچون باب ابراهـیم، بـاب اسحاق، و باب بِسطام. صاحبان نام حسن و حسین در یک باب فرعی از باب الف آورده شده‌اند که ظاهراً از آن‌روست کـه ایـن نامها غالباً با الف و لام همراه‌اند (ــــ ص ۳۴). در هـمهٔ ابـواب کتاب، اشخاص همنام در کنار هم معرفی شده‌اند، و به جز چند بابِ پیش‌گفته، در دیگر ابواب باب خاصی به یک نام اختصاص نیافته‌است، نامهایی نیز که فقط یک تن به آن نامیده شده‌است، در آخر باب قرار گرفته‌اند؛ ضمن آنکه در باب الف و بـاب بـاء (ص ۱۰۵، ۱۱۲) بابی فرعی با عنوان «بابالواحد» وجود دارد.

باب پایانی کتاب دربارهٔ کسانی است که به کنیه مشـهورند («بابُ مَنِ اشتهرَ بِکُنْیته»). این باب بسیار فشـرده و بـا روشـی متفاوت، به‌ویژه در ذکر طرق، نگارش یافته و در میان عناوین آن چند نام تکراری هست که در بابهای پیشین هم به آنها تـصریح شـــده‌است (ــــ دریـــاب نـــجفی، ص ۷۴، ۷۶ـ۷۷، ۸۰ـ۸۱). عناوینی دیگر نـیز بـه‌عنوان عـناوین مکـرر در *رجال* نـجاشی معرفی شده‌اند (همان، ص ۶۹ـ۸۴، با این ملاحظه که تکـراری انگـاشتن مـحمدبن یـحیی‌بن سـلمان خـثعمی اشـتباه است)؛ همچنین، دو زن یکی در آخر باب عین (ص ۳۰۴) و دیگری در آخر باب کاف (ص ۳۱۹) معرفی شده‌اند.

در آغاز کتاب (ص ۴) نیز بابی با عنوان «ذکر الطبقة الاولی» آمده و مؤلف در مقدمهٔ کتاب آنها را با وصف «المـتقدمین فـی التـصنیف مــن سـلَفنا الصـالح» مـعرفی کـرده‌است. درج نـام عبیداللّه‌بن حُرّ جُعفی (ــــ ص ۹) ذیل این عنوان، با عنایت به تاریخ زندگی وی، درخور تأمل است (دربارهٔ این شخص به‌ویژه ــــ طبری، ج ۶، ص ۱۲۸ـ۱۳۹؛ نیز ــــ مـوحد ابـطحی، ج ۱، ص ۲۰۵ـ۲۰۷).

منابع کتاب. نجاشی در تألیف *رجال* از منابع بسیاری بـهره جسته‌است (ــــ درياب نجفی، ص ۴۹ـ۶۲). برخی از این منابعْ شفاهی بوده‌است، مانند شنیده‌های او از مشـایخش، هـمچون حسـین‌بن عـبیداللّـه غـضائری (ــــ ص ۸۰، ۹۵)، ابـوالعـباس احمدبن علی‌بن نوح (ص ۳۱۰، ۳۲۷، ۳۴۶، ۳۸۴) و شیخ‌مفید (ص ۸۴). او از دوست و هـــمدرس خـود احـمدبن حسـین‌بن عبیداللّه غضائری نیز مـطالب بسـیاری نـقل و در مـواردی بـه شفاهی بودن آن تصریح کرده‌است (برای نمونه ــــ ص ۳۵۵). به احتمال قوی، موارد بسیار دیگری از این دست می‌توان یـافت. اطلاعات کتاب‌شناختی (به‌خصوص ــــ ص۳۲۵) از طریق منابع شفاهی بسیار نقل شده (مثلاً ص ۶۶، ۸۳)، و در جایی (ص ۷۷) هم تصریح شده که احمدبن حسین در تاریخ خود این مطلب را آورده‌است. ممکن است منبع *رجال* نجاشی در بیشتر مطالبی که از احمدبن حسین نقل کرده‌است دو کتاب وی دربارهٔ اصـول و مصنفات باشد (ــــ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲)، اما بـرخـی از ایـن اطلاعات در کتاب *رجال* ابن‌غضائری وجود دارد. برهمین اساس، مراد از «بعض أصحابنا» در پاره‌ای موارد نیز هموست (نجاشی، ص ۳۲۴؛ قس ابن‌غضائری، ص ۱۱۵) که گـاهی نـجاشی از او انتقاد هم کرده‌است (ص ۳۸۴؛ قس ابن‌غضائری، ص ۹۸).

در میان منابع مکتوب، *رجال* ابـن‌عقده* (مـتوفی ۳۳۲ یـا ۳۳۳) از منابع اصلی نجاشی است و گـاهی از تـاریخ وی هـم مـطلبی نـقل شـده‌است (ــــ ص ۴، ۳۳۱). نـجاشی از کـتب استادش احمدبن علی، معروف به ابن‌نوح سیرافی، بسیار نـقل

کرده و گاهی به نقل از دست‌نویس او تصریح نموده‌است (← ص ۴۴، ۱۱۲)؛ از آن جمله است: وصیت‌نامهٔ ابن‌نوح برای نجاشی به کتابهایش به خط خودش (← ص ۶۷، ۱۱۲)، پاسخ ابن‌نوح به نامهٔ نجاشی (ص ۵۹)، *أخبارالوکلاء* (ص ۴۴۰) و کتاب مبسوط *الزیادات علی أبی‌العباس‌بن سعید فی رجال جعفربن محمد علیهماالسلام* (ص ۸۷)، که ظاهراً بیشتر مطالب نقل‌شده از ابن‌نوح برگرفته از آن است. او گاهی نیز به نقل از ابن‌نوح مطالبی را از بخاری آورده‌است (← ص ۹، نیز ← ص ۱۷۰). اصل کتاب *رجال* کشّی که به‌گفتهٔ نجاشی (ص ۳۷۲) کثیرالعلم بوده، اما در اثرش اشتباهات بسیار راه یافته، از منابع او بوده و از نقلهای نجاشی از آن برمی‌آید که این کتاب ابوابی دربارهٔ اصحاب امامان داشته‌است و نجاشی از بابهای اصحاب‌الکاظم (← ص ۳۴، ۱۹۷)، اصحاب‌الرضا (ص ۲۶، ۳۶)، اصحاب أبی‌الحسن الهادی (ص ۴۴) و اصحاب أبی‌محمد العسکری (همانجا) مطالبی نقل و گاهی آنها را نقد کرده‌است (ص ۱۶). او در مواردی به *فهرست* حُمَیْدبن زیاد (← ص ۲۳۲، ۲۵۷) ارجاع داده و ظاهراً منقول دیگر از حمید هم از این منبع است. بنا بر قراین، این *فهرست* غیر از کتابی بوده که شیخ طوسی از آن مطالب راجع به حمیدبن زیاد را نقل کرده و در آن سقط یا ارسال بسیار رخ داده بوده‌است (شبیری زنجانی، درس خارج فقه نکاح، مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۷۷).

گویا نجاشی پس از تألیف اولیهٔ کتابش به *طبقات‌الشیعة* سعدبن عبداللّه اشعری* (متوفی ۳۰۰) دست یافته‌است (← ص ۴۰۴، ۴۳۶). ازاین‌رو، در باب محمد پس از ذکر مشایخ خود و معاصران، از این مصدر نقل کرده (← ص ۴۰۴)، و شاید به همین جهت غالباً طریق مؤلف به این کتاب ذکر نشده‌است. *فهرست* ابن‌بُطّه که به‌گفتهٔ نجاشی (ص ۳۷۵، نیز ← ص ۱۹۰)، در آن همهٔ کسانی را که از آنان مطالب علمی شنیده یاد کرده‌است، از دیگر منابع نجاشی است که به‌گفتهٔ او (ص ۳۷۳) در آن بسیار اشتباه وجود دارد. در پاره‌ای موارد نیز به این اشتباهات اشاره شده‌است (← ص ۱۳۰، ۲۷۹).

نجاشی از منابع متفرقه هم بهره جسته‌است، ازجمله از کتابهای جاحظ، نظیر *الحیوان* (← ص ۱۴۱)، *المفاخرة بین العدنانیة و القحطانیة*، *البیان و التبیین* (ص ۳۲۶، نیز ← ص ۱۵)؛ *کتاب بغداد* از احمدبن ابی‌طاهر (ص ۲۹۴)؛ *فهرست* محمدبن اسحاق ندیم (ص ۱۱۴)؛ و نیز کتاب فقهی شیخ‌مفید دربارهٔ نشانهٔ آغاز ماههای قمری با نام *مصابیح‌النور* (ص ۴۴۷). *فهرست* طوسی نیز از منابع نجاشی است و با مقایسهٔ این دو کتاب روشن می‌شود که در باب الف، نجاشی فقط از آن استفاده کرده، و جز طریق به آثار، دیگر اطلاعات *رجال* نجاشی تقریباً از این کتاب گرفته شده‌است. به‌نظر می‌رسد، شیخ‌طوسی باب الف *فهرست* را مبسوط و با شیوهٔ خاصی نگاشته، اما از ادامهٔ تألیف آن بازمانده، و این اثر ناقص در اختیار نجاشی قرارگرفته و او آن را تکمیل کرده‌است. سپس، شیخ‌طوسی تألیف کتاب را با روشی فشرده ادامه داده، و ازاین‌رو، شیوهٔ نگارش باب الف *فهرست* شیخ با دیگر ابواب آن کاملاً متفاوت است.

نجاشی از منابع خود در بسیاری از موارد به‌اجمال و با عبارات مبهمی، همچون «بعض اصحابنا»، «بعض اصحاب‌النسب» (← ص ۸۲)، «بعض‌الکتب» (ص ۲۹۴) و «سمعتُ بعضَ شیوخِنا» (ص ۳۸۵)، یاد کرده‌است. یادکرد او از گروه منابع با عبارتهایی چون «اصحابنا فی الفهرستات» (← ص ۱۵، ۴۹)، «الفهرستات» (همانجاها)، «اصحابنا فی‌الرجال» (ص ۲۴، ۷۳)، «شیوخنا فی اصحاب‌الاصول» (ص ۲۵)، «اصحابنا فی المصنفین» (ص ۸۷)، «اصحاب‌الرجال» (ص ۲۷، ۱۰۴)، «اصحاب کتب‌الرجال» (ص ۵۴، ۲۳۱)، «اصحابنا» (در بیش از بیست مورد)، و «اصحابنا القمیون» (ص ۷۷) بسیار است. گفتنی است که در موارد بسیاری، نجاشی از افرادی مطالبی نقل کرده که چندان روشن نیست این مطالب را از آثار آنها گرفته‌است یا از آثار دیگران (مثلاً ← ص ۱۱۳، ۱۱۵، ۳۳۳، ۳۷۸، ۳۷۹).

رجال نجاشی در کتب متأخر. سیداحمدبن طاووس نخستین کسی است که در کتاب خود، *حلّ‌الاشکال*، به گردآوری اطلاعات دربارهٔ بعضی اشخاص مذکور در کتب پنج‌گانهٔ رجالی، ازجمله *رجال* نجاشی، پرداخته که دربارهٔ آنها مدح یا قدح وارد شده‌است (← صاحب معالم، ص ۵). در *خلاصة‌الاقوال* علامه حلّی بی‌ذکر نام نجاشی و در *رجال* ابن‌داوود با رمز «جش» از مطالب *رجال* نجاشی نقل شده‌است. ضمن آنکه به باور صاحب معالم، علامه حلّی غالباً مطالب کتاب خود را از *حل‌الاشکال* گرفته و مستقیماً به منابع اصلی، ازجمله *رجال نجاشی*، مراجعه نکرده‌است.

پس از این کتب رجالی، اطلاعات *رجال* نجاشی در کتب فقهی، اصولی و رجالی پراکنده شده‌است. شهیدثانی (۱۴۱۳ـ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۶۷) نجاشی را ضابط‌ترین رجالیان و آگاه‌ترینشان به حالات راویان دانسته و از نسخهٔ *رجال* نجاشی، به خط سیدبن طاووس، بسیار نقل کرده‌است (برای نمونه ← ۱۳۷۹ـ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۹۱۰، ۹۱۷، ۹۴۲). بزرگان دیگری هم ادعا کرده‌اند که بر اَضبط و اَعرف بودن نجاشی اتفاق‌نظر هست (← بهبهانی، ۱۴۱۷، ص ۷۰۲؛ همو، ۱۴۱۹، ص ۷۳؛ همو، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۹۹؛ حسینی عاملی، ج ۱۶، ص ۵۹۸). این ادعا را پس از بهبهانی، علامه بحرالعلوم با ذکر شواهد متعدد تأیید و پیگیری کرده‌است (← ج ۲، ص ۴۶؛ نقد آن در شوشتری، ج ۱، ص ۵۲۱). *رجال* نجاشی به‌طور قطع

سودمندترین و پرمطلب‌ترین کتاب رجالی شیعی است که با دقت بسیار و ریزبینی ویژه‌ای نگارش یافته، با این حال، اشتباهات کتاب چندان ناچیز نیست که بتوان از آنها چشم پوشید (شوشتری، ج ۱، ص ۵۳ـ۵۵؛ شبیری‌زنجانی، ج ۱، ص ۱۰۶ـ۱۰۷)؛ به‌ویژه دربارهٔ اصحاب شیعه در قم، اطلاعات *رجال* نجاشی چندان استوار نیست و باید با سایر کتب، به‌ویژه آثار شیخ‌صدوق، مقایسه شود.

از *رجال* نجاشی با عنوان ابن‌النجاشی در *تاریخ الاسلام* ذهبی (ج ۹، ص ۱۹۴، ۲۷۷) و *سِیَر اعلام‌النبلاء* او (ج ۱۷، ص ۳۲۹) مطالبی نقل شده‌است. یاقوت حموی نیز در *معجم‌الادباء* در یک‌جا (ج ۶، ص ۲۴۳۵) از وی مطلبی نقل کرده (نیز ← نجاشی، ص ۳۸۴)، که در نسخهٔ چاپی *معجم‌الادباء* ابن‌النجاشی به ابن‌النحّاس تحریف شده‌است. بیش از همه، ابن‌حجر عسقلانی در *لسان‌المیزان* از کتاب نجاشی نقل کرده که بیشتر به صورت خلاصه و نقل به معناست (← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۱۲۱، ۱۲۷؛ نیز ← نجاشی، به همان ترتیب ص ۱۲۵، ۱۲۳) و گاهی هم مطالب آن تحریف شده‌است (ج ۲، ص ۱۱۷؛ قس نجاشی، ص ۱۲۰). ابن‌حجر عسقلانی گاهی در نقل خود از آن مطالبی به اطلاعات آن کتاب افزوده (مثلاً ج ۱، ص ۱۷۱، ج ۲، ص ۱۶؛ نیز ← نجاشی، ص ۲۵، ۱۱۳)، که ظاهراً از منابع دیگر برگرفته‌است؛ برخی از منقولات وی نیز در نسخهٔ موجود از *رجال* نجاشی دیده نمی‌شود (← ج ۲، ص ۹۴ـ۹۵، ۱۲۴، ۲۸۱ـ۲۸۲)، و با توجه به اشتباهات فراوان ابن‌حجر عسقلانی (← شبیری زنجانی، ج ۱، ص ۴۲، ۸۴) به نقل وی نمی‌توان اعتماد کرد و احتمال دارد که این موارد از مصدر دیگری گرفته شده‌باشد.

آثار مرتبط با رجال نجاشی. دربارهٔ *رجال* نجاشی آثار چندی به صورت حاشیه، ترتیب، تجرید اسناد و مواردی از این دست نگارش یافته‌است (← دریاب نجفی، ص ۶۳ـ۶۶)؛ شرح *رجال* نجاشی با نام *تهذیب‌المقال فی تنقیح کتاب‌الرجال* نوشتهٔ سیدمحمدعلی موحد ابطحی از این دست آثار است. نخستین معرفی مبسوط *رجال* نجاشی در *الفوائد الرجالیة* علامه بحرالعلوم (ج ۲، ص ۱۰۷ـ۱۲۳) آمده‌است؛ و کتاب *مشیخهٔ نجاشی* دریاب نجفی از آثار مهم دربارهٔ *رجال* نجاشی است که افزون‌بر مقدمه‌ای مبسوط در معرفی *رجال* نجاشی و مؤلف آن، استادان و افراد واقع در طرق نجاشی را نیز فهرست کرده‌است.

رجال نجاشی به همراه دیگر اصول رجالی در نرم‌افزار «درایةالنور» آمده‌است؛ این نرم‌افزار قابلیتهای فراوان دارد و در آن اطلاعات کتب رجالی از زاویه‌های مختلف پردازش شده‌است و با افزودن سیستم معیار، عناوین گوناگون اسناد به هم مرتبط شده‌اند.

چاپهای رجال نجاشی. *رجال* نجاشی چندین بار چاپ شده‌است (← دریاب نجفی، ص ۶۷). مهم‌ترین چاپ این کتاب، تصحیح سیدموسی شبیری‌زنجانی است که با استفاده از چهارده نسخه، متنی مصحح از کتاب (نزدیک‌ترین متن به نسخهٔ اصلی با عنایت به نسخه‌های موجود) پدید آمده‌است. تصحیح دیگر این کتاب در دو جلد به تحقیق محمدجواد نائینی منتشر شده و حواشی توضیحی بسیاری به آن افزوده شده‌است. شمارهٔ افراد معرفی‌شده در این چاپ کمی با چاپ پیشین تفاوت دارد و منشأ آن اختلاف در روش شماره‌گذاری برای برخی شرح‌حالهاست، مانند شرح‌حال حسن‌بن سعید که در تصحیح نخست، به‌دلیل درج شرح‌حال حسین‌بن سعید در آن دو شماره (۱۳۶ و ۱۳۷) و در چاپ دوم یک شماره (۱۳۵) دارد. همچنین، توجه نکردن به موضوع کتاب *رجال* نجاشی که فهرست مصنفین است، سبب شده که علی‌بن ابی‌رافع که پس از پدرش معرفی شده‌است، شمارهٔ مستقل نداشته باشد (برای مورد دیگر ← ش ۸۷۹ تا ۸۸۱ در چاپ دوم؛ قس ش ۸۸۰ در چاپ اول).

منابع: **آقابزرگ طهرانی**، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، بیروت ۱۴۳۰/۲۰۰۹؛ **ابن‌بابویه**، *عیون اخبارالرضا*، چاپ مهدی لاجوردی، قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، *کتاب مَن لایَحْضُرُه‌الفقیه*، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴؛ **ابن‌حجر عسقلانی**، *لسان‌المیزان*، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹ـ۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱؛ **ابن‌داوود حلّی**، *کتاب‌الرجال*، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۸۳ ش؛ **ابن‌طاووس**، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، المعروف ب: الملاحم و الفتن*، اصفهان ۱۴۱۶؛ همو، *فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب فی الاستخارات*، چاپ حامد خفاف، قم ۱۴۰۹؛ همو، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، *الیقین باختصاص مولانا علی (علیه‌السلام) بامرة المؤمنین*، چاپ [محمدباقر و محمدصادق] انصاری، قم ۱۴۱۳؛ **ابن‌غضائری**، *الرجال لابن الغضائری*، چاپ محمدرضا حسینی‌جلالی، قم ۱۴۲۲؛ محمدامین‌بن محمدشریف **استرآبادی**، *الفوائدالمدنیة*، چاپ رحمة‌اللّه رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۴؛ محمدمهدی‌بن مرتضی **بحرالعلوم**، *رجال‌السید بحرالعلوم، المعروف بالفوائد الرجالیة*، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ احمدبن عبدالرضا **بصری**، *المقنعة الانیسة و المغنیة النفیسة*، چاپ علی‌رضا هزار، در *رسائل فی درایة الحدیث*، چاپ ابوالفضل حافظیان بابلی، ج ۲، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش؛ محمدباقربن محمداکمل **بهبهانی**، *حاشیة مجمع الفائدة و البرهان*، قم ۱۴۱۷؛ همو، *الرسائل الفقهیة*، قم ۱۴۱۹؛ همو، *فوائد الوحید البهبهانی*، در علی‌بن حسین خاقانی، *رجال‌الخاقانی*، چاپ محمدصادق بحرالعلوم، [نجف ۱۳۸۸/ ۱۹۶۸]، چاپ افست [قم] ۱۴۰۴؛ همو، *مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع*، قم ۱۴۲۴؛ مصطفی‌بن حسین **تفرشی**، *نقدالرجال*، قم ۱۴۱۸؛ محمدجوادبن محمد **حسینی‌عاملی**، *مفتاح*

الکرامة فی شرح قواعدالعلامة، چاپ محمدباقر خالصی، قم ۱۴۱۹ـ ؛ حسن‌بن سلیمان **حلّی**، *مختصرالبصائر*، چاپ مشتاق مظفر، قم ۱۴۲۱؛ **خوانساری**؛ **خویی**؛ محمود **دُریاب نجفی**، *مشیخة النجاشی: توثیقهم و طرقهم الی الاصول و الکتب*، قم ۱۴۱۳؛ محمدبن احمد **ذهبی**، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، چاپ بشار عوّاد معروف، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ همو، *سیراعلام النبلاء*، چاپ شعیب‌ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۱ـ۱۴۰۹/ ۱۹۸۱ـ۱۹۸۸؛ موسی **شبیری زنجانی**، *جرعه‌ای از دریا*، قم ۱۳۸۹ ش ـ ؛ **شوشتری**؛ محمدبن مکی **شهید اول**، *ذکری‌الشیعة فی احکام الشریعة*، قم ۱۴۱۹؛ زین‌الدین‌بن علی **شهیدثانی**، *البدایة فی علم‌الدرایة*، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها، در *رسائل فی درایة الحدیث*، همان، ج ۱، ۱۳۸۲ ش؛ همو، *رسائل الشهید الثانی*، قم ۱۳۷۹ـ۱۳۸۰ ش؛ همو، *مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم ۱۴۱۳ـ۱۴۱۹؛ محمدبن حسین **شیخ بهائی**، *الوجیزة فی علم الدرایة*، چاپ حسن حسینی آل مجدد شیرازی، در *رسائل فی درایةالحدیث*، همان، ج ۱؛ حسن‌بن زین‌الدین **صاحب معالم**، *التحریرالطاووسی*، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱؛ **صَفَدی**؛ **طبری**، *تاریخ* (بیروت)؛ محمدبن حسن **طوسی**، *رجال‌الطوسی*، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، *الرسائل العشر*، قم [?۱۴۰۳]؛ همو، *فهرست کتب‌الشیعة و اصولهم و اسماءالمصنفین و اصحاب الاصول*، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ حسن‌بن یوسف **علامه حلّی**، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ حسن‌بن ابی‌طالب **فاضل آبی**، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، چاپ علی‌پناه اشتهاردی و حسین یزدی، قم ۱۴۰۸ـ۱۴۱۰؛ محمدبن محمدابراهیم **کلباسی**، *الرسائل الرجالیة*، چاپ محمدحسین درایتی، قم ۱۳۸۰ـ۱۳۸۱ ش؛ علی‌بن قربانعلی **کنی**، *توضیح المقال فی علم‌الرجال*، چاپ محمدحسین مولوی، قم ۱۳۷۹ ش؛ محمدبن اسماعیل **مازندرانی حائری**، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم ۱۴۱۶؛ عبداللّه **مامقانی**، *تنقیح المقال فی علم‌الرجال*، چاپ محیی‌الدین مامقانی، قم ۱۴۲۳ـ ؛ محمدباقربن محمدتقی **مجلسی**؛ محمدتقی‌بن مقصودعلی **مجلسی**، *روضةالمتقین فی شرح مَن لایَحْضُرُهُ‌الفقیه*، چاپ حسین موسوی‌کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، قم ۱۴۰۶ـ۱۴۱۳؛ جعفربن حسن **محقق حلّی**، *الرسائل التسع*، چاپ رضا استادی، قم ۱۳۷۱ ش؛ همو، *المعتبر فی شرح‌المختصر*، ج ۱، قم ۱۳۶۴ ش؛ همو، *نکت‌النهایة*، در محمدبن حسن طوسی، *النهایة و نکتها*، قم ۱۴۱۷؛ **محمدبن حسن‌بن زین‌الدین**، *استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار*، قم ۱۴۱۹ـ ؛ محمدبن محمد **مفید**، *جوابات اهل‌الموصل فی العدد و الرؤیة*، چاپ مهدی نجف، [قم] ۱۴۱۳؛ احمدبن محمد **مقدس اردبیلی**، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، چاپ مجتبی عراقی، علی‌پناه اشتهاردی، و حسین یزدی اصفهانی، ج ۳، قم ۱۳۶۲ ش؛ محمدعلی **موحدابطحی**، *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی‌العباس احمدبن علی النجاشی*، ج ۱، قم ۱۴۱۷؛ حسن **موسوی خرسان**، شرح مشیخة *تهذیب الاحکام*، نجف ۱۳۸۲/۱۹۶۳، در محمدبن حسن طوسی، *تهذیب الاحکام*، چاپ حسن موسوی‌خرسان، ج ۱۰، تهران ۱۳۹۰؛ محمدبن علی **موسوی عاملی**، *نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*، چاپ مجتبی عراقی، علی‌پناه اشتهاردی، و حسین یزدی، قم ۱۴۱۳؛ محمدباقربن محمد **میرداماد**، *الرواشح السماویة*، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌اللّه جلیلی، قم ۱۳۸۰ ش؛ احمدبن علی **نجاشی**، *رجال‌النجاشی*، چاپ محمدجواد نائینی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ همان: *فهرست اسماء مصنّفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی*، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۱۶؛ **نجفی**؛ ابوالقاسم‌بن محمد **نراقی**، *شعب المقال فی درجات الرجال*، چاپ محسن احمدی، [قم] ۱۴۲۲؛ حسین‌بن محمدتقی **نوری**، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم ۱۴۱۵ـ۱۴۲۰؛ **یاقوت حموی**، *معجم‌الادباء*، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛

Etan **Kohlberg**, *A medieval Muslim scholar at work: Ibn Ṭāwūs and his library*, Leiden 1992.

/ سید محمدجواد شبیری /

رجانگها[1]، از اقوام کهن و مهم در سوماترای اندونزی. رجانگها در رشته‌کوه باریسان[2]، در مجاورت بندر بنگکولو[3] در استانی به همین نام، در بخش جنوبی ساحل غربی سوماترا* ساکن‌اند (< جنوب‌شرقی آسیا >[4]، ج ۱، مقدمهٔ اوی‌کیت‌جین[5]، ص ۲، ۵؛ < سرزمینهای اندونزی >[6]، ص ۲۵۸). آنان خود را «تون جانگ»[7] (قوم جانگ) می‌نامند و در میان مالایاییهای سوماترای مرکزی و جنوبی به رجانگ شهرت دارند (< جنوب‌شرقی آسیا >، ذیل مادّه).

رجانگها زبان و خطی خاص دارند. ظاهراً قوم رجانگ برای نوشتن مالاییِ قدیم از خطی خاص به نام رنکونگ[8] بهره می‌بردند. در ۱۳۵۹ش / ۱۹۸۰، یک‌میلیون نفر به زبان رجانگ سخن می‌گفته‌اند (مارزدن[9]، ص ۳۷؛ کریب[10]، ص ۳۷ـ۳۸).

معلوم نیست رجانگها پیش از ورود اسلام به این منطقه چه دینی داشته‌اند، اما با ورود اسلام به سوماترا آنها نیز این دین را پذیرفتند (ـــ مارزدن، ص ۲۴۹؛ نوئر[11]، ص ۵۰، ۷۸، ۱۵۶، ۲۰۷؛ نیز ـــ سوماترا*). در ۱۳۷۹ش / ۲۰۰۰، ۵ر۹۷٪ از جمعیت استان بنگکولو را مسلمانان و کمتر از ۲٪ را مسیحیان تشکیل می‌دادند. همچنین، رجانگها که ۲۱٪ از جمعیت بنگکولو را تشکیل می‌دهند، پس از جاوه‌ایهای مهاجر، بزرگ‌ترین گروه قومی در این استان‌اند. رجانگها در شمال

1. Rejangs 2. Barisan 3. Bengkulu 4. *Southeast Asia* 5. Ooi Keat Gin
6. *The Territories of Indonesia* 7. Tun Jang 8. Rencong 9. Marsden 10. Cribb
11. Noer